



فرار سرمایه‌ها با کاهش قیمت

## رکوردهای معکوس

در حالی که قیمت نفت همچنان به روند نزولی خود ادامه می‌دهد، بحران کاهش در سرمایه‌گذاری‌های این بخش بیشتر به چشم می‌آید.

روند کاهش قیمت نفت - همچون روند فزاینده آن طی سه سال گذشته - در حال ثبت رکوردهای جدید است. قیمت نفت خام سبک شیرین پایه بورس نیویورک، برای تحویل در ماه ژانویه، در معاملات روز ۱۸ دسامبر، با ۲/۳۵ دلار کاهش در مقایسه با روز گذشته، به ۳۳/۸۷ دلار در هر بشکه رسید. این رقم، پایین‌ترین سطح از ماه فوریه سال ۲۰۰۴ تا به امروز بوده است.

تداوم روند کاهش قیمت نفت در شرایطی صورت می‌گیرد که وزیر نفت عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در آخرین نشست خود در الجزایر، در تصمیمی بی‌سابقه، تولید نفت اعضای این سازمان را به میزان ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه کاهش دادند. این کاهش، بزرگترین کاهش تولید از سوی اوپک در طول تاریخ فعالیت این سازمان از دهه ۱۹۶۰ تاکنون بوده است. آخرین کاهش بزرگ تولید از سوی اوپک، متعلق به سال ۱۹۹۹ است که معادل رقمی در حدود ۱/۷ میلیون بشکه در روز بوده است. با در نظر گرفتن کاهش تولید اوپک در ماه‌های سپتامبر و اکتبر گذشته، این سازمان در ماه‌های اخیر، مجموعاً ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه از تولید نفت خود کاسته است.

با اعمال این کاهش، تولید نفت اوپک به رقم ۲۹

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۶۷ الزامات نفت خصوصی

۶۸ باز هم نوسان

۶۹ کوتاه انرژی

۶۹ طرح ماه

مشکلاتی را در تداوم برنامه‌های اقتصادی خود پیش‌بینی کرده است. در خصوص ایران و بسیاری از کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت، پیش‌بینی‌های مشابهی از سوی مؤسسات مطالعاتی و نهادهای کارشناسی، مبنی بر کسری بودجه قابل ملاحظه طی سال آینده مالی صورت گرفته است. بر اساس مطالعه انجام شده از سوی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ادامه کاهش بهای نفت منجر به کاهش ۱۵۱ میلیارد دلاری درآمدهای صادرات نفت کشورهای عضو اوپک در سال ۲۰۰۹ میلادی خواهد شد.

بر اساس گزارش منتشر شده این سازمان، تقاضای جهانی نفت در سال آینده میلادی ۰/۲ درصد بیش از برآورد قبلی این سازمان کاهش خواهد یافت، به طوری که کاهش رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، تقاضای جهانی نفت را در سال ۲۰۰۹ با ۱۵۰ هزار بشکه کاهش در روز، به ۸۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه خواهد رساند. کاهش مزبور در مقیاسی است که افزایش تقاضا از سوی چین و خاورمیانه، آن را جبران نخواهد کرد.

### کاهش سرمایه‌گذاری‌ها

خبر نگران‌کننده‌تر برای فعالان بازار نفت، روند نزولی جریان سرمایه‌گذاری در این صنعت، به دلیل افت شدید قیمت‌های جهانی نفت خام است. با کاهش قیمت نفت، بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شده، توجیه اقتصادی خود را از دست داده و جریان منابع مالی، روانه حوزه‌های دیگر می‌شوند. تازه‌ترین گزارش منتشره از سوی مؤسسه مالی "برکلی کپیتال" آمریکا، نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری‌ها در بخش اکتشاف نفت و گاز، در سال ۲۰۰۹ با افتی معادل ۱۲ درصد روبه‌رو شده و مجموعاً به رقم ۴۰۰ میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

۴۵ هزار بشکه در روز رسیده است. با انتشار این تصمیم از سوی شکیب خلیل، رییس اوپک، روسیه و آذربایجان - دو تولیدکننده بزرگ نفت غیراوپک - برای جلوگیری از تداوم روند سقوط آزاد قیمت‌ها در بازار نفت، تصمیم به کاهش چند صد هزار بشکه‌ای تولید خود گرفتند. هرچند ناظران و تحلیل‌گران بازار منتظر بودند تصمیم بی‌سابقه کشورهای عضو بزرگترین سازمان تولیدکنندگان نفت، حداقل به لحاظ روانی و کوتاه‌مدت، اثر خود را بر بازار نفت نشان دهد، اما تداوم روند سقوط قیمت در بورس‌های معاملات نفت در نیویورک و لندن، بر شدت نگرانی کارشناسان و ناظران بازار افزوده است.

### تداوم سقوط قیمت‌ها

نگرانی عمده در خصوص کاهش قیمت‌های نفت، نشان‌دهنده آثار میان‌مدت این کاهش است. البته کاهش قیمت‌های جهانی نفت، اثرات مخرب و شوک‌آوری را بر درآمدهای ارزی کشورهای صادرکننده نفت دارد و از این طریق، برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشورها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. روسیه از جمله کشورهایی است که با کاهش قیمت‌های نفت (با وجود برخورداری از ذخایر ارزی قابل ملاحظه)



خصوصی سازی در این فعالیت ها است.

خصوصی سازی به مفهوم کاهش اثرگذاری و تحدید نقش و قدرت دولت در تغییر پارامترهای اقتصادی مؤثر بر مؤلفه های عمده در بازار و اقتصاد است. با این حال، چنانچه به تعبیر سطحی از ایده مزبور بسنده کنیم، می توان به غیر دولتی کردن مدیریت و مالکیت شرکت های دولتی نیز اکتفا نمود. بر این اساس، تعبیر غیردولتی نمودن اقتصاد می تواند مطلوبیت دولت هایی را که در زمینه خصوصی سازی، هنوز به جمع بندی، اجماع و پذیرش قابل قبولی نرسیده اند حداکثر کند.

### اصل ۴۴ و نفت

صنعت نفت ایران را باید بزرگترین زیرمجموعه اقتصاد ملی که مشمول سیاست های اصل ۴۴ قرار گرفته است، دانست. بر اساس اطلاعات منتشره، روند واگذاری شرکت های زیر مجموعه صنعت نفت، به خصوص در حوزه پتروشیمی، پالایشگاه ها و شرکت های گاز استانی، آغاز و مراحل ارزیابی و مذاکرات با سازمان خصوصی سازی در مورد مکانیزم واگذاری این شرکت ها در جریان است. این مذاکرات در مورد چند شرکت پتروشیمی و پالایشگاه نفت نیز به نتیجه رسیده و واگذاری بخش های تعیین شده از سهام آنها در بورس صورت گرفته است.

با این وجود و با در نظر گرفتن مزایای خصوصی سازی به طور عام، به منظور تأمین حداکثر منافع ملی و رعایت ملاحظات راهبردی در اقتصاد ملی، لحاظ کردن ویژگی های خاص صنعت نفت در فرآیند خصوصی سازی، ضرورتی انکارناپذیر است. واقعیت این است که صنعت نفت، تأمین کننده بیش از ۹۷ درصد نیاز داخلی به انرژی است. این صنعت همچنین مسؤلیت تأمین بخش عمده درآمدهای ارزی کشور را از محل تولید و صادرات نفت خام، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی و فرآورده های نفتی بر عهده دارد. ◀

سرمایه گذاری های این بخش در سال آینده میلادی مواجه خواهد شد. رقم سرمایه گذاری های این کشور، با احتساب کاهش مزبور در سال ۲۰۰۹ میلادی، به ۲۲ میلیارد دلار خواهد رسید. متوسط کاهش ارقام سرمایه گذاری در سایر کشورهای تولیدکننده نفت و گاز به میزان ۶ درصد (نسبت به سال ۲۰۰۸ میلادی) و رقمی معادل ۳۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. ■

جیمز کراندل و جیمز وست، تحلیل گران این مؤسسه مالی، در این خصوص معتقدند ایالات متحد با ۲۶ درصد کاهش سرمایه گذاری، بیشترین سهم را از این نزول به خود اختصاص خواهد داد. سرمایه گذاری های انجام شده در بخش اکتشاف نفت و گاز در سال ۲۰۰۸ میلادی در ایالات متحد، رقمی معادل ۱۰۶ میلیارد دلار بوده است. کانادا بعد از ایالات متحد، با آفتی ۲۳ درصدی در

خصوصی سازی صنعت نفت

## الزامات نفت خصوصی

ماهیت فعالیت های صنعت نفت و حجم پروژه های اجرایی آن که از مقیاسی به مراتب بزرگتر از طرح های سایر بخش های اقتصادی برخوردار است، خصوصی سازی در این صنعت را با الزامات خاصی مواجه ساخته است.

نظام های اقتصادی شرق اروپا و چین، با اعمال تغییرات در نظام سیاسی، بلافاصله تغییرات در نظام اقتصادی به سمت کاهش حجم دولت و تمرکززدایی در فعالیت های اقتصادی آغاز شد و این کشورها، خود به نمونه هایی موفق از نتیجه بخشی ایده توسعه سهم بازار در مجموع اقتصاد تبدیل شدند.

بر این اساس، به نظر می رسد در سال های پایانی دهه نخست قرن بیست و یکم، فصل سخن گفتن از مزایای خصوصی سازی، گذشته است و کشورهای مختلف، به تناسب اهمیتی که به این نظریه داده اند، در حال برخورداری از مزایای آن در همه شاخص های کلان اقتصادی و اجتماعی نظیر رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری، کاهش کسری بودجه های سنگین دولتی و بروز زمینه های رقابت پذیری در اقتصاد و به تبع آن، رشد در تمامی حوزه های مدیریت، دانش، فرهنگ و تکنولوژی هستند.

با این وجود، هنوز مرور بخش هایی از ادبیات حوزه خصوصی سازی می تواند متضمن نکات آموزنده ای برای مجریان این طرح در اقتصاد ایران باشد. اتفاق نظر مقامات دولتی، مجریان طرح خصوصی سازی و نهادهای نظارتی، بر فلسفه و اهداف عالی خصوصی سازی مهمترین نقطه آغاز فعالیت های خصوصی سازی است.

در این نقطه آغازین، اهداف کلان خصوصی سازی که شامل موارد پیش گفته می باشد، مورد توافق عمومی قرار می گیرد. تجربه کشورهای موفق در حوزه خصوصی سازی نشان می دهد که کار فرهنگی گسترده و فرهنگ سازی در میان افکار عمومی جامعه در خصوص مزایای نهایی خصوصی سازی و کاهش تصدی گری دولت و مرور تأثیرات سازنده و غیرقابل انکار آن بر سطح زندگی و رفاه شهروندان می تواند نقش مهمی در موفقیت طرح های کلان خصوصی سازی در کشور داشته باشد.

یکی از نکات مهم و قابل تأمل در این زمینه، تمایز بین غیردولتی کردن فعالیت های اقتصادی و

خصوصی سازی و اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی را باید مهمترین طرح فراروی صنعت انرژی، به خصوص در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی کشور دانست. اجرای سیاست های اصل ۴۴ از مهمترین مأموریت های دولت نهم، طی ماه های پس از ابلاغ آن بوده است.

هرچند سازمان خصوصی سازی متولی اصلی این مأموریت در سطح دولت شناخته شده است، اما متولی یکسان، لزوماً به معنی برخورد یکسان، مکانیزم یکسان و استفاده از تکنیک های یکسان در خصوصی سازی صنایع مختلف نخواهد بود. بدیهی است در خصوص هر یک از صنایع، بنا بر ماهیت، ویژگی ها و مأموریت های خاص آن، باید مناسب ترین روش خصوصی سازی با رعایت ملاحظات و الزامات موجود در بخش، تعیین شده و به مرحله اجرا درآید. صنعت نفت نیز بنا بر ماهیت پیچیده و کاملاً تخصصی فعالیت های خود، از این رویه مستثنا نخواهد بود.

### خصوصی سازی

خصوصی سازی از دیدگاه کارشناسان اقتصادی، به معنای تغییر تعادل دولت - بازار به نفع بازار و کاهش نقش و قدرت اثرگذاری دولت بر مؤلفه های بازاری اقتصاد است. این تغییرات بر این فرض مبتنی است که ناکارآمدی اقتصاد دولتی و دولتی تر کردن روند فعالیت های اقتصادی، طی دهه های پس از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از کشورهای صنعتی و در حال توسعه نمودار شده و بر این اساس، ایده واگذار کردن کار مردم به خودشان، با هدف بهره مندی اقتصاد ملی از حداکثر راندمان، کاهش حجم زیان های تحمیل شده بر اقتصاد از ناحیه شرکت های دولتی، کوچکتر شدن حجم دولت و پرداختن آن به وظایف نظارتی خود به عنوان نظریه رهایی بخش اقتصادهای ملی، مورد پذیرش عموم کارشناسان و نخبگان اقتصادی جوامع مختلف قرار گرفته است. این امر تا جایی پیش رفته که حتی در نظام های مبتنی بر اقتصاد متمرکز، مانند